

بسم الله الرحمن الرحيم



اعداد و متنوی

لیلا تحملی



تحملی، لیلا، ۱۳۵۱ -
اعداد در مثنوی / لیلا تحملی. - شیراز: قلمکده، ۱۳۹۳.
ISBN: 978 - 600 - 6233 - 05 - 5

۲۴۷ ص.
کتابنامه: ص. ۲۴۵-۲۴۷
۱. مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ ق. مثنوی معنوی -
نقد و تفسیر ۲. شعر فارسی - قرن ۷ ق. - تاریخ و نقد. الف. عنوان.

۱ فا ۸	PIR
۳۱ /	۵۳۰۱
م ۸۴۹	۶ الف ۳ ت /
ت ن /	۱۳۹۳



نشر قلمکده

اعداد در مثنوی

لیلا تحملی ✍ ناشر: نشر قلمکده
چاپ نخست: ۱۳۹۳ ✍ تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

طرح جلد: یلدا زحمتکش

لیتوگرافی و چاپ: طیف نگار

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

شیراز، صندوق پستی: ۷۱۹۵۵-۸۳۱

فهرست مطالب

مقدمه.....	۵
الف- زندگی نامه مولانا.....	۵
ب- صورت و سیرت مولانا.....	۷
ج- آثار مولانا.....	۱۰
در مردهی مثنوی.....	۱۳
اعداد در مثنوی.....	۲۶
اعداد و رقم.....	۲۶
صفر/.....	۲۶
یک/.....	۲۹
دو/.....	۴۱
سه/.....	۵۶
چهار/.....	۷۲
پنج/.....	۹۲
شش/.....	۱۰۴
هفت/.....	۱۱۲
هشت/.....	۱۳۰
نه/.....	۱۳۵
اعداد دو رقمی.....	۱۳۹
ده/.....	۱۳۹
سیزده/.....	۱۵۳
چهارده/.....	۱۵۵
پانزده/..... شانزده/..... هفده/.....	۱۵۷
هجده/.....	۱۵۷
بیست/.....	۱۵۸
بیست و چهار/.....	۱۶۲
سی/.....	۱۶۳
چهل/.....	۱۶۵
پنجاه/.....	۱۷۵

۱۷۸	شصت / ۶۰
۱۸۱	هفتاد / ۷۰
۱۸۲	هفتاد و دو / ۷۲
۱۸۶	هشتاد / ۸۰
۱۸۷	نود / ۹۰
۱۸۹	اعداد سه رقمی
۱۸۹	صد / ۱۰۰
۱۹۵	دویست، دو صد / ۲۰۰
۱۹۶	سیصد / ۳۰۰
۱۹۷	سیصد و نه / ۳۰۹
۱۹۸	چهار صد / ۴۰۰
۱۹۸	پنج صد / ۵۰۰
۱۹۹	ششصد / ۶۰۰
۲۰۰	ششصد و شصت و دو / ۶۶۲
۲۰۰	هفتصد / ۷۰۰
۲۰۱	نه صد / ۹۰۰
۲۰۲	اعداد چهار رقمی و بیشتر
۲۰۲	هزار / ۱۰۰۰
۲۰۵	سه هزار / ۳۰۰۰
۲۰۵	نه هزار / ۹۰۰۰
۲۰۶	ده هزار / ۱۰۰۰۰
۲۰۶	هجده هزار / ۱۸۰۰۰
۲۰۷	چهل هزار / ۴۰۰۰۰
۲۰۷	پنج هزار / ۵۰۰۰۰
۲۰۷	صد هزار / ۱۰۰۰۰۰
۲۰۹	سیصد هزار / ۳۰۰۰۰۰
۲۰۹	پانصد هزار / ۵۰۰۰۰۰
۲۰۹	ششصد هزار / ۶۰۰۰۰۰
۲۱۰	خاتمه
۲۱۶	فراوانی و درصد اعداد در یک نگاه
۲۱۷	منابع

مقدمه

۱- زندگی نامه مولانا:

نام او به اتفاق تذکره نویسان محمد و لقب او جلال‌الدین است و جز جلال‌الدین به لقب خداوندگار نیز می‌خوانده‌اند. و خطاب لفظ "خداوندگار" مفتی بهاء ولد است و در بعضی از شروح مثنوی هم از وی به "مولانا خداوندگار" تعبیر می‌شود». (فروزانفر، ۱۳۸۵، ص ۱۷)

«لقب "مولوی" از قرن نهم به بعد به او اطلاق شد». (خرمشاهی، ۱۳۸۰، مقدمه) عده‌ای عقیده دارند که تخلص مولوی خاموش بوده زیرا در خاتمه‌ی اکثر غزل‌ها این کلمه را به طریق اشارت و تلمیح گنجانیده است. (ر.ک. فروزانفر، ۱۳۸۵، ص ۱۷). «مولد مولانا شهر بلخ است و ولادتش در ششم ربیع الثانی سنه ۷۰۴ هجری قمری اتفاق افتاد. شهرتش به "بلخی" یا نسبت به بلخ است؛ و به "رومی" به خاطر اقامت و توطنش در شهر قونیه در آن طولی است». (خرمشاهی، ۱۳۸۰، مقدمه). نسبش به گفته‌ی عده‌ای، از جانب پدر به ابوبکر صدیق می‌پیوندد، پدر مولانا محمد بن حسین خطیبی است که به بهاء‌الدین ولد معروف شده و او را سلطان‌العلماء لقب داده‌اند. پدر او حسین بن احمد خطیبی به روایت افلاکی از افاضل روزگار و عارف زمانه بود؛ چنان‌که رضی‌الدین نیشابوری در محضر وی تلمذ می‌کرد و مادر بهاء‌الدین از خاندان خوارزم‌شاهیان بود ولی معلوم نیست که به کدام یک از سلاطین آن خاندان انتساب داشت. (ر.ک. فروزانفر، ۱۳۸۵، ص ۱۹-۲۱). سلطان‌العلماء بهاء‌ولد از خطیبان شهر آن روزگار بود که مجموعه‌ای از مواعظ او به نام معارف باقی است. بهاء‌ولد در بلخ مسند تدریس و منصب فتوا و مقام وعظ و خطابه داشت. بلخ جزو قلمرو خوارزمشاه بود. سلطان‌العلماء به دلیل نامعلوم (بعضی گفته‌اند نظر به

رقابت با امام فخر رازی) از شاه رنجشی یافت و از بلخ بیرون آمد و پسر نوجوانش را نیز به سوی سمرقند همراه برد، سپس سیر و سفری آغاز کردند. پس از آهنگ حجاز و به جای آوردن حج، به شام و سپس به آسیای صغیر؛ آناتولی رفتند و مدتی در شهر لارنده ماندند. در همین شهر بود که مادر مولانا در گذشت و پس از مدتی به توصیه پدر، مولانای جوان همسر اختیار کرد. سپس به دعوت سلطان سلجوقی روم که علاءالدین کیقباد نام داشت، به پایتخت او قونیه رفتند و ماندگار شدند. در همین شهر بود که بهاءالدین ولد درگذشت و در آن عهد جلال‌الدین محمد بیست و چهار ساله بود. جلال‌الدین محمد به خواهش مریدان شاگردان پدرش به جای او مسند تدریس و منصب قنوا و مقام خطیبی را عهده‌دار شد. (ر.ک. خرمشاهی، ۱۳۸۰، ص ۳-۴)

اندک زمانی پس از فوت سلطان العلماء، مرد فرهیخته‌ای به نام برهان محقق (سید برهان الدین محمد بن ترمزی) از مریدان مخلص او که از وفات مراد و مرشدش خبر نگرفت به عزم دیدار استاد آهنگ قونیه کرد. استاد را به ملکوت اعلی پیوسته پس او را به جای پدر نشسته یافت و مهر او را در دل گرفت و سایه حمایت و تربیت خود را بر سر او گسست، با معارف صوفیه آشنایش کرد و به او اسرار طریقت آموخت. (خرمشاهی، ۱۳۸۰، ص ۴) به دستور سید، به ریاضت و جهنم‌نشینی پرداخت و پس از آن معلوم گردید که نقد وجود این انسان پاک و خالی از غل و غش است. مولانا مدت نه سال، با سید هم‌نشین و هم‌مسکن بود وقتی که برهان محقق در سال ۶۲۸ هجری قمری درگذشت، مولانا و عنقوان جوانی بود و ۲۴ سال داشت. (ر.ک. زمانی، ۱۳۸۰، ص ۴)

در سال ۶۴۲ هجری قمری، شخصیتی مرموز و جادو و شطآن به نام شمس تبریزی؛ شمس‌الدین محمد بن علی بن ملک داد، به تبریز آمد و ملاقات او با مولانا مهم‌ترین تحول را در حیات روحی و سلوک شمس و عرفان مولانا رقم زد. چنان‌که شاید هزار غزل از دیوان کبیری که مولانا به نام او به دیوان شمس، موسومش ساخته است، در شکر و شادی دیدار او یا شکایت و اندوه هجران اوست.. هرچه مولانا محبوب شمس بود، شاگردان و مریدانش از شمس بیزار بودند و این می‌تواند ناشی از دو